

دیگر سانه‌ها

مروری بر همه مربیان خارج از گود

در حد لایکا

بیرون ماندن مربیان بزرگ خبر خوبی برای نیمکت‌های لیگ برتری نیست. بیکار بودن یک مربی موفق و کاربلد یعنی قرار گرفتن یک سایه بزرگ روی اکثر نیمکت‌ها. سایه‌ای که می‌تواند عملکرد آن تیم را هم تحت تأثیر قرار بدهد. اگر آن مربی بیرون مانده مربی تیم قهرمان فصل گذشته هم باشد که مربیان لیگ برتری باید حسابی حواسشان به کارشان باشد. کمتر کسی فکرش را می‌کرد که جواد نکونام به عنوان مربی قهرمان جام حذفی شروع لیگ را از خانه نظاره‌گر باشد. اتفاقی که بیشتر از خودش، فرهاد مجیدی را نگران می‌کند. در این گزارش نگاهی کرده‌ایم به مربیانی که نتوانستند روی یکی از شانزده نیمکت لیگ برتر نشسته و قرار است در انتظار اخراجی‌های لیگ باشند.

جواد نکونام

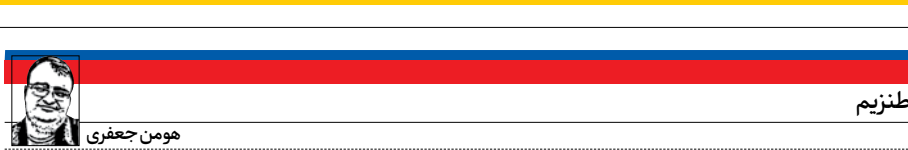
تغییر و تحولات فوлад همان‌طور که انتظار می‌رفت به جدایی جواد نکونام انجامید. تیمی که هم مدیرش را از دست داده بود و هم تقریباً تمام بازیکنانش را، کمتر کسی را ترغیب به مربیگری می‌کرد. نکونام که نمی‌خواست بلافاصله بعد از یالابردن یک جام، روی دیگر سکه مربیگری را تجربه کند، ترجیح داد فعلاً بیرون از گود در انتظار باشد. البته این در صورتی است که تا شروع فصل خبر حضور او روی نیمکت استقلال منتشر نشود.

علی دایی

بعضی از ستاره‌های نقل و انتقالاتی که به پرسپولیس و استقلال و حتی تیم‌های دیگر رفتند، یک وجه اشتراک داشتند و آن هم این بود که توسط علی دایی به لیگ برتر معرفی شدند. بازیکنانی مانند رضا ضادی و امیر حسین حسین زاده در شرایطی در نقل و انتقالات سروصدا کردند که لیگ برتر چهارمین فصل بدون علی دایی را هم پشت سرمی‌گذارد. مربی‌ای که بیش از دعوای جنجالی‌اش با مدیرعامل سایپا و نبتعاً آن، یکی از چهره‌های ثابت نیمکت هالود و تصور شروع لیگ بدون او محال به نظر می‌رسید. البته علی دایی را نمی‌توان آلترناتیوی برای مربیان لیگ دانست. آنطور که شنیده می‌شود غیبت او در فوتبال بیش از اینکه خود خواسته باشد، ناوان ادامه‌دار همان مصاحبه‌است.

سیروس پور موسوی

ماندن و نماندن در صنعت نفت و بعد از آن رفتن به



طنزیم

گرفتی ما را آقای رشیدی؟

پس از اینکه اتحادیه جهانی دوچرخه‌سواری انتخابات فدراسیون ایران را تأیید نکرد، محمود رشیدی رئیس فدراسیون استعفا داد! رشیدی گفت: «اتحادیه جهانی دوچرخه‌سواری (UCI) به انتخابات فدراسیون دوچرخه‌سواری ایران ایراداتی را وارد کرد مبنی بر اینکه دولت در این انتخابات دخالت کرده است. آنها اعلام کردند به همین دلیل انتخابات فدراسیون را به رسمیت نمی‌شناسد. اتحادیه جهانی به دنبال این مسأله بحث بررسی انتخابات فدراسیون ایران را به همراه مشکلات کشور مکزیک در دستور کار جلسه روز چهارم مهرماه خود در بلژیک قرار داده بود. البته بحث تعلیق مآد رکمیته اخلاقی این فدراسیون مطرح می‌شد و ربطی به این نشست نداشت اما چون آنها از پاسخ‌های ما قانع نشده بودند، بنده به دلیل بیشکری از تصمیمات آتی اتحادیه جهانی، خودم استعفادم. تقریباً یک هفته‌ای می‌شود که استعفایم را به



تک به تک

زندگی در هیچ‌ستان

پروژه هدفمند و برنامه‌ریزی شده جهت فروپاشی و اضمحلال باشگاه‌های تأثیرگذار و پر هوادار غیرنهبزانی از حدود ۱۶ سال پیش کلید خورد، فوتبال ایران را مانند بوسکوی رمانده و ضعیف در گوشه رنگ بی‌پولی و بی‌کیفیتی قرار داد. مدیران وقت سازمان تربیت بدنی و سپس وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون فوتبال و حتی سباسبون از دولتمداران تماماً بی‌ربط به پدیده اجتماعی فوتبال با ندانم‌کاری‌ها و رفتارهای بروپاگاندایی خود، از همان سال‌ها تا فصل رویه سقوط و زوال را رقم زدند که ماشین زهوار در رفته لیگ برتر و فوتبال حرفه‌ای کشور را به دره‌بی‌توجهی و بنابودی سوق می‌داد. سباسبونی که با وعده مردمی کردن فوتبال حرفه‌ای، باشگاه‌های مهم و استعداد خیز فوتبال ایران را به شهرستان‌های محروم واگذار می‌کردند تا هم خیل عظیمی از هواداران تأثیر به تغییر عقیده شوند و هم باشگاه مذکور از دور بزگی و آفتاب خارج شود. این اما پایان راه نبود و افراد متصل به مقامین مدیران غیرفوتبالی و غیرورزشی، پس از شاهکار قوف راه را برای جولان دادن خود خالی و مسیر را برای استفاده از جای خالی باشگاه‌های بزرگ هموار دیدند تا فصل جدیدی از فرسایش و انحطاط گریبانگیر فوتبال باشگاهی و ملی مملکت گردد. تمام پتانسل‌های حمایتی از خزانه باشگاه‌هایی که به هلاکت رسیده بودند، ناهیه و مالکین متصل به جریان قدرت پدید آمدند و به همان سرعتی که چهره شدند، مسیر واگذاری و انحلال را پیش گرفتند. یکی از پدیده‌های که لیگ بیست‌ویکم با آن مواجه خواهد بود، ظهور باشگاهی به نام « هوادار تهران»



نقره به نقر

زندگی خصوصی!

باشگاه هوادار را می‌توان غریب‌ترین و ناشناخته‌ترین شرکت‌کننده چند سال اخیر لیگ برتر دانست؛ تیمی که سه سال قبل و با خرید امتیاز استقلال جنوب وارد کورس حرفه‌ای فوتبال ایران شده و در همین مدت کوتاه، سه نام متفاوت را بر خود گذاشته: سرخ‌پوشان سابق و پرسپولیس، سایه پاک‌شد، حالا تیمی بنفش‌پوش است با لوگوی شبیه به لوگوی العین امارات که روی شانه‌های رضا عنایتی حمل شد تا در کنار فخریاسی جواز حضور در لیگ بیست‌ویکم را کسب کند. هوادار، در لیگ پیش رو پرچم‌دار باشگاه‌های نوپای داخلی خواهد بود که نمونه‌های آن در لیگ آزادگان به وفور یافت می‌شوند، آرم‌ان‌کهر سیرجان و خوشه‌طلایی ساه، رایکانی بابل، نودا رومیه و گل ریحان سقوط کرده به دسته دوم و پادارانی که مالکش برای ماندن در فوتبال حرفه‌ای مردود است، همه تیم‌هایی هستند که عمدتاً با خرید امتیاز یک باشگاه دیگر، برای تحقق رؤیای تیمداری در دسته اول میانهز زده‌اند و راه صدساله را یک‌شب پی‌مووند اما هیچ‌گاه کسی متوجه نشد که آنان قرار است چه هدف ورزشی یا اقتصادی را دنبال کنند.

بنفش‌پوشان لیگ بیست‌ویکم شاید پاسخ این پرسش را برآی را جامعه فوتبال هویدا سازند. البته در ابتدا، آنان قرار بود



روزنامه ورزشی صبح ایران ● صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی ● مدیرمسئول: علی‌عالی ● تلفن: ۰۲۱۱۳۰۸۸۵ ● شماره: ۸۴۲۱۱۱۷۳ ● سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷۰-۱۳۰۰-۸۸۵۰۸۸۷۶۵۳ ● انتشارات: ۵۷۵۰۴۸۸۹۲ ● امور مشترکین: ۸۸۵۲۱۹۵۴-۸۸۷۴۸۸۰۰ ● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸، صندوق پستی ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸ ● چاپ: ایرانیان



نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

شنبه ۳ مهر ۱۴۰۰ شماره ۶۸۶۱

www.INN.ir

info@inn.ir

عکس روز

سانتراودوی



جام اتحادیه انگلیس محبوب جوان‌هاست؛ آن‌هایی که اساساً در بازی‌های لیگ وقت بازی پیدا نمی‌کنند اما در جام اتحادیه فیکس می‌شوند. درست مثل همین هادسون اودوی که اینجااين سانترز زبیا را در بازی با استون ویلا انجام می‌دهد. جلسی این بازی را به لطف درخشش کیا در ضربات پنالتی برد.

کاریکاتور



بارسلونا روزهای بدی را می‌گذراند. روزهای خیلی بدی. آنها هفته پیش دوبارِی آسان داشتند. بازی با گرانادا و وادادیز و هر دو را نبردند. با سالان چندبازی‌است نمی‌برد. آنها البته در لالیگا شکستی متحمل نشده‌اند ولی هیچ کدام از این‌ها دردی برای شان دوامی‌کند و انگار از وقتی سسی‌فته وضعیت نه برای او خوب‌است نه برای تیمش.

در چنین روزی

۳ مهر ۱۳۸۱

حکم جدید فیفا درباره کارت قرمز

فدراسیون بین‌المللی فوتبال «فیفا» اعلام کرد: از این پس هر بازیکنی که در جریان مسابقه از بازی اخراج شود، خود به خود از حضور در بازی بعدی تیمش در همان مسابقات محروم می‌شود و حق اعتراض هم نخواهد داشت.

به گزارش خبرگزاری رویترز از زوریخ، فیفا روز سه‌شنبه این تصمیم را گرفت و آن را قانونی جهانی دانست و قرار است آن را رسماً به اطلاع ۲۰۴ فدراسیون عضو این سازمان برساند. این قانون از اول اکتبر (۹ مهر) به اجرا گذاشته خواهد شد.

هر بازیکن که با کارت قرمز و یا با دو کارت زرد از بازی اخراج شود، مشمول این مقررات واقع می‌شود.

بازیکن مورد نظر تنها در صورتی عفو می‌شود که داور بعد از اخراج او متوجه شود و اعلام کند که حکمش را رخ به بازیکن اشتباه بوده است.

این قانون شامل بازیکنانی که سایر تخلفات را مرتکب شوند، نیست. در اینگونه موارد فدراسیون‌ها طبق قوانین و مقررات معمول خود عمل خواهند کرد.

در این موارد که معمولاً با محرومیت از دو یا سه بازی همراه است، بازیکن حق اعتراض دارد اما تنها بعد از گذراندن اولین محرومیت می‌تواند اعتراض کند.

این تصمیم فیفا در حکم تغییر قوانین بنیادین فوتبال نیست زیرا قوانین رشته فوتبال را تنها «هیأت بین‌المللی فوتبال» وضع می‌کند و حق تغییر دادن آنها را دارد. این هیأت سالانه در انگلیس تشکیل جلسه می‌دهد تا به بررسی این قوانین بپردازد.

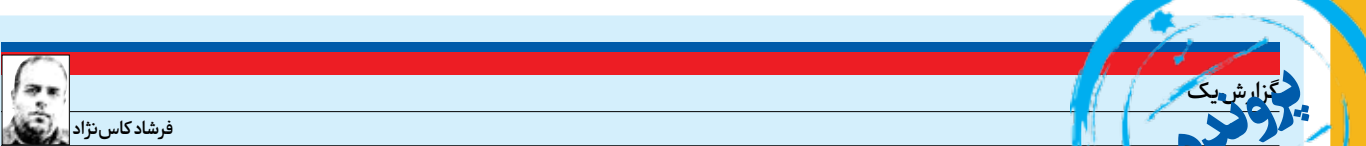
کرتز



سامان موحدی‌راد

این هوادار لایبزش نیست

تیم فوتبال لایبزش چند سال پیش خودش را به سطح اول فوتبال آلمان رساند و در کمتر از ۱۰ سال به نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا رسید. یک تیم سازنده که بازیکنان و مربی‌هایش هواخواهان زیادی در سطح دنیا دارند. جقدر محتمل است که لایبزش چند سال بعد نابود شود و اثری از آن در سطح اول فوتبال آلمان نباشد؟ چندین و چند مثال اینچنینی در فوتبال دنیا سراغ داریم؟ حتی باشگاه‌هایی که مثل لایبزش سابقه چندان‌نی ندارند و یکی، دود همه است که تأسیس شده‌اند و سابقه چندان‌نی هم ندارند. بعد است به این زودی نابود شوند. یعنی به تجربه چنین مثال‌هایی در فوتبال دنیا کم است. برخلاف فوتبال ایران پراست از این مثال‌ها پراست از باشگاه‌هایی که بر اثر عوامل محیطی به یکباره تشکیل شده‌اند. پول و سرمایه زیادی جذب کرده‌اند. بازیکنان زیادی هم را بین تیم‌ها گردهم آمده‌ند. یا جوانان و آینده سازانی بودند که این باشگاه خودش ساخته و پیاپی مدد سرمایه‌گذارانش ستاره‌های زیادی را خریداری کرده‌است اما همه این اتفاقات خوب در این باشگاه چند سال کوتاه بیشتر دوام نداشته‌است. خیلی زود این وضعیت خوب از بین رفته‌است. الان کسی از زلفت تهران خبری دارد؟ تیمی با کیفیت بالا که روزگاری یکی از بهترین تیم‌های ایران بود و الان خبری از آن نیست. تیمی چون شیرین‌فراز که روزگاری میهمان لیگ برتر نبود کارش به کجا کشیده‌است؟ استیل آدین، صباقی قم و بسیاری دیگر از تیم‌های دیگر که معلوم نیست یا چه منطقه‌ای ایجاد می‌شوند و چند سالی فعالیت می‌کنند و بعد از میان می‌روند. می‌ماند هم لیگ برتر یک میهمان اینچنینی دارد: هوادار تهران که تیم مصود کرده به لیگ برتر است. درباره هوادار نمی‌توان نظر قطعی داد و امید اینکه نظر ما اشتباه باشد و آنها به سرنوشت سایر تیم‌ها به دچار نشوند اما سابقه نشان می‌دهد که این تیم مانند مدل بسیاری از تیم‌های اینچنینی در چنین مسیری قرار دارد. علت اینکه این تیم‌ها در چنین شرایطی قرار می‌گیرند این است که ساختار فوتبال ایران فرصتی برای سرمایه‌گذاری درست به هیچ سرمایه‌گذاری نمی‌دهد. برای همین هم هر کسی به سرمایه‌ای وارد فوتبال ایران می‌شود نهایتاً چند سالی دوام می‌آورد و وقتی می‌بیند که نمی‌تواند پول بیشتری از سرمایه‌گذاری خودش دربیاورد و زیر ساخت‌های باشگاهش را توسعه دهد، ناامید شده و کم‌کم کنار می‌گشت. اینچنین است که وقتی تیمی چون لایبزش در دهه ۹۰ تأسیس می‌شود در ساختار درست فوتبال آلمان می‌تواند با گردش مالی درست باشگاهش را بزرگ و بزرگ‌تر کند و خودش را به سطح اول برساند و در ایران چنین نیست.



فرهاد کاس‌نژاد

انگیزه‌های ناشناخته هوادار

تیم هوادار از اولین روزهایی که این نام را برای خود انتخاب کرد، پرسشی را در سراره خودش ساخت که تیم بی‌هوادر چرا هوادار نام گرفته‌است؟ این نام چرا اینچنین خالی از معناست؟ اگر تصور مدیران این باشگاه چنین بود که با این نام‌گذاری هوادارانی را مجذوب می‌کنند و ارادت خود به هواداران فوتبال را ابراز کرده‌اند، با یک ساده‌انگاری مواجهیم. تیم‌هایی با ۳ و ۴ دهه قدمت در تهران و حتی با افتخارات بزرگ مثل قهرمانی لیگ و قهرمانی آسیا توانستند هواداری را جذب کنند.

پاس تاروار آخر حیاتش در تهران، اقوام مربیان و بازیکنانش را نیز حتی با کارت دعوت نمی‌توانست به ورزشگاه بکشاند، پیکان و کمر فرستنی برای رشد یک باشگاه وجود دارد. باشگاه‌داری بدون هوادار، آدین با خرید ستاره‌ها و آیدان نسبت با علی پیرون نتوانست هواداران را به تضاد است و فارغ از این وجه بی‌معنایی وجود تیم بی‌هوادار، از فرصت درآمدزایی هم خبری نیست.

تیم هوادار را می‌توان یکی از تیم‌های نگران‌کننده در لیگ برتر دانست، تیمی که نمی‌دانیم چه سرنوشتی دارد و آیا می‌تواند به فرار داده‌هایش متعهد باشد و سرمایه‌گذاران فرضی‌اش در آینده نزدیک دلیل و انگیزه منطقی برای ادامه تیمداری دارند؟

تماشای بازی‌های خود دعوت کند و پیش از تماشاگر در ورزشگاه‌ها، لیدرها را به صف می‌کرد. تیم‌های دیگر هم بودند، همگی بی‌معنا در بنیان خود، که سال‌ها برای سکوهای خالی بازی کردند، مثل نفت تهران و صبا.

فقط در فوتبال ایران شما می‌توانید تیم بی‌تماشاگر را در بالاترین سطح فوتبال یک کشور ببینید. تیمی که تماشاگر ندارد، امکان رشد نخواهد داشت که به لیگ برتر برسد، بلکه در دسته‌های پایین‌یا موفق به جذب هوادار در طی سال‌ها فعالیت می‌شود و یا امکانی

